

## بازخوانی منطق‌های امنیتی بازیگران قفقاز جنوبی (مرز پر آشوب)<sup>۱</sup>

ناصر پور ابراهیم<sup>۲</sup>

مهناز گودرزی<sup>۳</sup>

سه کشور قفقاز جنوبی یعنی گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه‌ای پیچیده و بی ثبات قرار دارند که تقاطع مسیر اروپا، آسیا، خاورمیانه است. این کشورها از دوران حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی آسیب‌های عمیق تاریخی مشترکی دارند. دوره شوروی تجربه بدی برای این کشورها بود. مدیریت نادرست اقتصاد، فساد، مشکلات اجتماعی، نهادسازی ضعیف، گرایش‌های متعارض به اقتدارطلبی و اصلاح، اختلاف‌های قومی، ناآرامی‌های مرزی و وجود چندین بحران خاموش در منطقه، میراث اتحاد جماهیر شوروی برای این کشورها است.

معضلات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی (گرجستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان)، دیدگاه قدرت‌های فرامنطقه‌ای (آمریکا- اتحادیه اروپا- ناتو) به امنیت قفقاز جنوبی، دیدگاه قدرت‌های منطقه‌ای (ترکیه، فدراسیون روسیه، جمهوری اسلامی ایران) به این منطقه مهم‌ترین مسائل مورد بررسی در این پژوهش می‌باشند.

چارچوب نظری مقاله حاضر براساس مفهوم «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» است که برای نخستین بار توسط باری بوزان مطرح گردید، این نظریه با نظریه نوین وی در خصوص بین‌الذهانی بودن امنیتی شدن تلفیق خواهد شد تا چارچوبی فراسوی نظریه کلاسیک مجموعه امنیتی ارائه گردد.

**واژگان کلیدی:** منطق امنیتی، قفقاز جنوبی، جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه.

---

<sup>۱</sup> Turbulent Frontier

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی دانشنامه جهان اسلام

<sup>۳</sup> دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

## مقدمه

سه کشور قفقاز جنوبی یعنی گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه‌ای پیچیده و بی‌ثبات قرار دارند که تقاطع مسیر اروپا، آسیا و خاورمیانه است. این کشورها از دوران حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی آسیب‌های عمیق تاریخی مشترکی دارند. دوره شوروی تجربه بدی برای این کشورها بود. مدیریت نادرست اقتصاد، فساد، مشکلات اجتماعی، نهادسازی ضعیف، گرایش‌های متعارض به اقتدارطلبی و اصلاح، اختلاف‌های قومی، ناآرامی‌های مرزی و وجود چندین بحران خاموش در منطقه، میراث اتحاد جماهیر شوروی برای این کشورها است.

در میان این سه کشور، گرجستان بیشترین گرایش را به غرب دارد. این کشور پس از تحمل کردن جنگ کوتاه ولی طوفانی با روسیه که پس از چندین سال فشار و تهدید در این کشور اتفاق افتاد، نتایج زیادی در مورد ظرفیت و کارآمدی ارتباط با ایالات متحده در منطقه را نشان داد.

اگرچه تفاوت‌های اساسی از لحاظ داخلی و ژئوپلیتیک در میان سه کشور وجود دارد، اما مردمان این منطقه ملت‌هایی کهن با دولت‌های خودمختار جدید بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هستند.

گرجستان در نقطه استراتژیک ساحل دریای سیاه قرار گرفته است. این کشور تا نیمه دهه 90 به عنوان یک کشور ناکام بود و بعد از انقلاب رز 2003 در مسیر گرایش‌های غربی قرار گرفت. دین حاکم این کشور مسیحیت ارتدوکس است و گرجستان متقاضی عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا نیز است. (Nixey, 2010: 125) جمهوری آذربایجان نیز در استراتژیک‌ترین منطقه خزر واقع شده است. باکو اولین پایتخت نفتی جهان از 1890 بوده است. (اولین خط لوله نفتی جهان در 1906 در این کشور ساخته شده است.) اکثریت مردم این کشور مسلمان هستند. گرایش‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان؛ ایجاد تعادل میان روسیه و غرب در منطقه است. (Boonstra, Melvin, 2011:7.)

ارمنستان سرزمین محصور در خشکی است که روابط چندانی با دو همسایه خود (جمهوری آذربایجان و ترکیه) ندارد. از لحاظ ملیت به روس‌ها بسیار نزدیک هستند اما مرزی مشترک با روسیه ندارند. بسیاری از ارمنیان به دلیل وضعیت بد اقتصادی خارج از ارمنستان زندگی می‌کنند و البته لابی قوی در ایالات متحده دارند. ارمنستان اولین کشور

جهان است که به طور رسمی دین مسیحیت را به عنوان دین دولتی دارد و روابط بسیار نزدیکی نیز با جمهوری اسلامی ایران دارد. (Nixey,2010: 126)

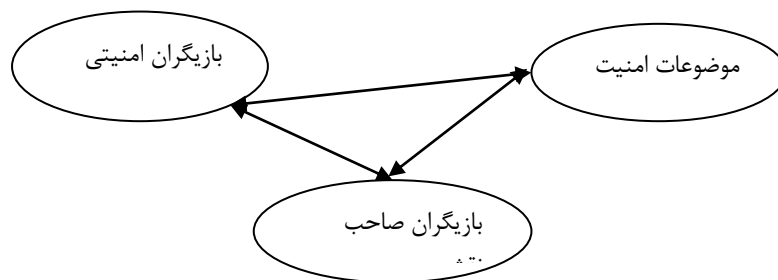
در میان شش کشور که در کنار هم قرار دارند یعنی روسیه، آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، ایران و ترکیه تنها ایران در پنج کشور مذکور سفارت دارد. اگرچه این کشورها از لحاظ جغرافیای کوچک هستند، اما قادر هستند بحران‌های بزرگ برای قدرت‌های بزرگ ایجاد نمایند.

بر اساس آنچه که گفته شد، پژوهش حاضر سعی در بررسی چشم اندازهای امنیتی منطقه قفقاز جنوبی با تاکید بر تحولات اخیر دارد و در پی ارائه پیشنهادی در زمینه فرمول امنیتی منطقه با تاکید بر دیدگاه جمهوری اسلامی است.

مهم‌ترین مسائل مورد بررسی در این پژوهش عبارت هستند از:

- 1- معضلات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی (گرجستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان).
- 2- دیدگاه قدرت‌های فرامنطقه‌ای (آمریکا- اتحادیه اروپا- ناتو) به امنیت قفقاز جنوبی
- 3- دیدگاه قدرت‌های منطقه‌ای به قفقاز (ترکیه، روسیه، ایران)

به طور خلاصه می‌توان چارچوب پژوهشی حاضر را با بهره‌گیری از نظریه نوین امنیتی باری بوزان، چنین ترسیم نمود.



### مفهوم مجموعه امنیتی منطقه‌ای

این مفهوم ابتدا در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» بوزان مطرح گردید. وی بر این باور است که سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی نمی‌تواند برای تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به مناطق مناسب باشند، لذا وجود یک سطح تحلیل میانه برای این منظور را ضروری می‌داند (بوزان، 1378، ص 212) و برای تعریف و مشخص نمودن مجموعه امنیتی منطقه‌ای ویژگی‌هایی برای آن منصوب می‌گردد که عبارت هستند از:

1- مجموعه امنیتی دارای مکان و فضای جغرافیایی است و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی وجود دارد و اعضای مجموعه نیز کشورهایی هستند که به طور گسترده در این روابط حضور دارند. (ای لیک و مورگان، 1381، ص 53)

2- وجود «الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها» منظور از دوستی میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌گردد و منظور از دشمن اشاره به روابط میان واحدها است که در آن سوء ظن و ترس حکم باشد. (بوزان، 1378، ص 215)

3- وجود «وابستگی متقابل شدید» میان گروهی از کشورها است. به طوری که هر گونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر در مجموعه، باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه می‌گردد. (عبدالله خانی، 1383، ص 279)

4- «احساس تهدید و ترس متقابل» میان دو یا چند کشور قدرتمند درون مجموعه است، منظور از «متقابل بودن» به ارتباطات امنیتی دو بازیگر قدرتمند محلی یا اصلی در آن اشاره دارد. (بوزان، 1378، ص 219-220)

5- آخرین مسئله در مورد تعریف مجموعه امنیتی، نقش عوامل اقتصادی است و توجه به ابعاد نظامی، سیاسی و اجتماعی امنیت در مورد کشورهای تشکیل دهنده مجموعه امنیتی مهم است. بوزان معتقد است که عوامل اقتصادی می‌تواند در چشم‌انداز همگرایی منطقه‌ای اثرگذار باشد. (همان، ص 227-229)

به‌رغم بیان ویژگی‌های حاضر از مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای نباید تصور نمود که این مجموعه‌ها همانند هم عمل می‌نمایند، بلکه براساس برخی از متغیرها، میان آنان تمایز است و درجه و میزان انزوا از نظام جهانی، سطح و میزان توسعه یافتگی اعضاء، ماهیت و سرشت نظام‌های سیاسی اعضاء، موجب متفاوت بودن مجموعه‌های امنیتی می‌گردد. (ای لیک و مورگان، 1381، ص 55) اما آنچه که بوزان بعدها بدان توجه

می‌نماید، روند امنیتی شدن است و موضوع کلیدی را این گونه مطرح می‌کند که امنیت در رابطه با چه کسی اهمیت می‌یابد و برای این منظور او از رویکرد مبتنی بر سازه‌انگاری اجتماعی<sup>1</sup> استفاده می‌کند. (بوزان و دیگران، 1386، ص 40-41) بوزان در موضوع امنیتی کردن یک موضوع در نهایت به رویکرد کنش‌گفتاری و ساخت اجتماعی امنیتی توجه دارد و بدین ترتیب ملاک دقیق امنیتی شدن موضوعات این است که در اذهان به صورت چنان تهدید وجودی برجسته‌ای جلوه کند که اثرات سیاسی اساسی داشته باشد. (همان، ص 50) رویکرد مبتنی بر کنش‌گفتاری در قبال امنیت، ایجاب می‌کند که میان سه نوع واحدی که در تحلیل امنیت نقش دارند، تمایز بگذاریم.

**الف) موضوعات امنیت<sup>2</sup>:** چیزهایی که موجودیت آنها در معرض تهدید انگاشته می‌شود و دعوی مشروعی برای بقای دارند.

**ب) بازیگران امنیتی کننده:** بازیگرانی که با اعلام در معرض تهدید بودن موجودیت چیزی - یکی از موضوعات امنیت - مسائل را امنیتی می‌کنند.

**ج) بازیگران صاحب نقش:** بازیگرانی که بر پویای یک بخش تاثیر می‌گذارند. این بازیگران از موضوعات امنیت هستند و نه جزو بازیگرانی که خواهان امنیتی انگاشته شدن یکی از موضوعات امنیت می‌شوند ولی تاثیر چشم‌گیری بر تصمیم اتخاذ شده در حوزه امنیت می‌گذارند. (همان، ص 67)

بر این اساس می‌توان کشورهای گرجستان و آذربایجان و ارمنستان را به عنوان موضوعات امنیتی تلقی نمود و حضور ناتو و آمریکا و اتحادیه اروپا و روسیه، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه را به عنوان بازیگران امنیتی کننده حوزه قفقاز جنوبی و مناقشاتی چون قره‌باغ، آبخازیا، اوستیای جنوبی و خشونت‌های سیاسی داخلی و وضعیت نامساعد اقتصادی داخلی هر کدام از این کشورها را می‌توان به عنوان بازیگران صاحب نقش فرض کرد.

البته آنچه که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار خواهد گرفت منطق‌های امنیتی هر کدام از این سه سطح امنیتی است و تقسیم‌بندی موجود بیشتر از آنکه تصلیبی باشد. بر اساس منطق امنیتی در قالب کنش‌گفتاری است که صورت‌بندی امنیتی منطقه را بر پایه آن می‌توان ترسیم کرد و دلیل تشدید مناقشات امنیتی موجود در منطقه قفقاز را ناشی از

<sup>1</sup> Social Constructivism

<sup>2</sup> Referent Objects

واگرایی منطق‌های امنیتی هر کدام از سه سطوح تحلیل امنیت میان خود و در دیدگاهی کلان‌تر، میان سطوح موجود دانست. که بر چهارپایه استوار است.

1- انسجام داخلی بر حسب ثبات یا بی‌ثباتی که تعیین‌کننده نگرانی‌های امنیتی است.

2- روابط کشورها با هم.

3- تعاملات منطقه‌ای با مناطق همسایه، (سطحی که به طور نسبی با تغییرات عمده

امنیتی وابسته به هم که در حال جریان است محدود می‌گردد).

4- نقش قدرت‌های جهانی در منطقه. (Ghoukassian, 2008:152)

### موضوعات امنیتی قفقاز

الف) جمهوری آذربایجان: جمهوری آذربایجان با مساحتی حدود 86 هزار کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر هشت میلیون نفر، بزرگترین جمهوری قفقاز جنوبی است. (امیر احمدیان، 1381، ص 104) جمهوری آذربایجان با پنج کشور هم‌مرز است که از شمال با داغستان روسیه، شمال شرقی با گرجستان، غرب با ارمنستان، جنوب غربی و از طریق نخجوان با ترکیه، در شرق به دریای خزر و از جنوب با جمهوری اسلامی ایران همسایه است. (همان) درآمد منابع معدنی (عموماً نفت) جمهوری آذربایجان در سال 2006 میلادی پنجاه و سه میلیارد و نهصد و بیست و هفت میلیارد دلار بوده است و عمده‌ترین کشورهای تجارت‌کننده با این کشور عبارت هستند از آمریکا، روسیه، ترکیه، ایتالیا و رژیم صهیونیستی که حجم عظیمی از واردات و صادرات جمهوری آذربایجان را بر عهده دارند (Europe Regional Surveys of The World, 2008:109) و این مطلب بیانگر وضعیت مساعد اقتصادی است. رشد ناخالص داخلی آن در سال 2007 به 22 میلیارد دلار رسیده و نرخ رشد این کشور در همان سال نیز 29/3 درصد بوده است. (The Military Balance, 2008: 167) جمهوری آذربایجان از نظر دارا بودن منابع نفتی و گازی جهان با ذخایر 7 میلیارد بشکه‌ای نفت و 1 تریلیون متر مکعب گاز به ترتیب در رتبه‌های 20 و 22 جهانی قرار دارد. (Youngs, 2009:101) بر این اساس به نسبت دو کشور دیگر منطقه قفقاز جنوبی، دارای بودجه نظامی زیادی است به طوری که در سال 2007 دارای بودجه نظامی 796 میلیون دلاری بوده است. (The Military Balance, 2008: 167)

مهم‌ترین مشکلات و تهدیدات امنیتی جمهوری آذربایجان را می‌توان طولانی شدن و لاینحل ماندن مناقشه قره‌باغ، رشد اسلام‌گرایی در جمهوری آذربایجان، تحرکات وهابیون، اقدامات براندازی از سوی برخی از کشورها، اقدامات جاسوسی ارمنستان، اقدامات جدایی‌طلبانه گروه‌های قومی به ویژه لزگی‌ها و آوارها، تحریکات سرویس‌های امنیتی روسی و غربی نام برد. (کاظمی، ص 91-92)

ب) ارمنستان: جمهوری ارمنستان با وسعت 29/800 کیلومتر مربع از جنوب با جمهوری اسلامی ایران، جنوب غربی با جمهوری خود مختار نخجوان، غرب با ترکیه، شمال با گرجستان و شرق با جمهوری آذربایجان مرز مشترک دارد، ارمنستان حدود 4 میلیون نفر جمعیت دارد. (روشندل و قلی‌پور، ص 4) گفته می‌شود که 1/5 میلیون نفر از جمعیت این کشور بعد از انتقال از این کشور مهاجرت کرده‌اند. (واسوتویچ، ص 43) این کشور کوچکترین کشور قفقاز جنوبی محسوب می‌شود و از لحاظ اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارد. عمده‌ترین محصول وارداتی این کشور محصولات نفتی است که در سال 2006 میزان آن بیش از 365 میلیون دلار بوده است. و واردات صنعتی این کشور نیز 197 میلیون دلار بود، ارمنستان عمده‌ترین صادر کننده سنگ‌های قیمتی و جواهر در میان کشورهای منطقه است، عمده‌ترین شرکای تجاری ارمنستان عبارت هستند از روسیه (حجم واردات ارمنستان از این کشور بیش از 268 میلیون دلار بوده و صادرات ارمنستان به آن بیش از 94 میلیون دلار است) بلژیک، آمریکا و آلمان می‌باشد. (Europe Regional Surveys of The World, 2008:78) تولید ناخالص داخلی ارمنستان 3/03 تریلیون درام است و بودجه‌ی دفاعی این کشور در سال 2008 بیش از 107 میلیارد درام<sup>1</sup> بوده است. نرخ رشد ارمنستان در 2007، 11/1 درصد است که 2/2 درصد به نسبت 2006 کاهش داشته است این کشور دارای 38/945 نیروی نظامی است که در مقایسه با دو کشور دیگر منطقه وضعیت نظامی آن چندان مطلوب نیست و تعداد نیروهای روسی مستقر در این کشور 3/170 نفر است. (The Military Balance, 2008:165-166)

ارمنستان به طور کامل در انزوای اقتصادی قرار دارد و دارای مشکلات سیاسی و نظامی فراوانی با ترکیه (به دلیل کشتار ارمنه در 1915 توسط ترک‌های عثمانی) و جمهوری آذربایجان (در خصوص قره‌باغ) است پیمان ترابوزن، اتحاد سه‌گانه جمهوری

1. واحد پول ارمنستان

آذربایجان، ترکیه، رژیم صهیونیستی، افزایش شدید مهاجرت از ارمنستان و در نتیجه کاهش جمعیت ارمنه در مقابل جمهوری آذربایجان و تهدید مخالفان دولت به رهبری پیمان عدالت برای ایجاد انقلاب مخملی از جمله تهدیدات ارمنستان به حساب می‌آیند که اتحاد با روسیه و ایران را برای ارمنستان اجتناب‌ناپذیر نموده است (کاظمی، 94-95)

ج) گرجستان: مساحت این کشور 69/700 کیلومتر و طول مرزهای آن 1969 کیلومتر است. این جمهوری در شمال با فدراسیون روسیه در شرق با جمهوری آذربایجان در جنوب با ارمنستان و ترکیه و در غرب با دریای سیاه همسایه است. (امیراحمدیان، 1381، ص 223) گرجستان به عنوان دروازه درون قفقاز و به عنوان محل تلاقی دو قلمرو پیمان ورشو و ناتو دارای موقعیت حساسی است.

عمده صادرات این کشور در سال 2008، آلیاژهای آهنی به میزان 89/8 میلیون دلار بوده است.

بی ثباتی مزمن داخلی و فروپاشی ساختارهای دولتی در سال‌های پس از استقلال و درگیری سال 2008 با گرجستان باعث تضعیف اقتصاد گرجستان شده است. به طوری که حجم کل صادرات آن در 2008، 992 میلیون دلار و واردات این کشور نیز بیش از 3/677 میلیون دلار بوده است که بیش از 2/685 کسری پرداخت داشته است. (Europe Regional Surveys of The World, 2008:193-94)

تولید ناخالص داخلی آن در سال 2007، 16/1 میلیارد لاری<sup>1</sup> بوده است و نرخ رشد گرجستان 11 درصد گزارش شده است، بودجه دفاعی این کشور در همان سال 956 میلیون لاری است و تعداد نیروهای صلح این کشور جمعاً 17/767 نفر است. (The military balance, 2008:176)

مناقشات آبخازیا و اوستیای جنوبی، احتمال دگرگونی در آجاریا و منطقه ارمنی‌نشین جاوختی و تحریکات روسیه در قفقاز، اختلاف‌های مرزی میان گرجستان و جمهوری آذربایجان بر سر رودخانه مرزی سامور، جنایات سازمان یافته به خصوص قاچاق مواد مخدر و اسلحه به خصوص در مناطق «گالی»<sup>2</sup>، «کودوری»<sup>3</sup> در دره معروف پانکیسی<sup>4</sup> که محل امنی

1. واحد پول گرجستان

2. Gali

3. Kodori

4. Pankissi



برای تروریست‌ها است از مهم‌ترین تهدیدهای گرجستان است (کازمی، ص 23) و جنگ سال 2008 گرجستان با روسیه بر سر مناطق اوستیای جنوبی و آبخازیا بیانگر اهمیت این کشور و جدی بودن این تهدیدها می‌باشد.

### بازیگران صاحب نقش

**الف) قومیت:** زیاد بودن ملل در قفقاز، سیاست هویت‌زدایی قومی، تحمیل و جابه‌جایی اقوام اتحاد جماهیر شوروی به ویژه در دوره استالین، ایجاد مرزهای تحمیلی، ذهنیت منفی تاریخی اقوام قفقاز نسبت به یکدیگر، رشد گرایش‌های ملی‌گرایانه افراطی، وجود تمایل برای تصاحب نقاط استراتژیک و به طور کلی وجود یک دوره تاریخی استعمار بر منطقه از جمله عوامل ایجاد مناقشه‌های قومی منطقه قفقاز هستند. (کازمی، ص 49-50)

**مناقشه قره‌باغ:** در میان اختلاف‌های قومی، مناقشه حل‌نشده قره‌باغ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، بیشترین تهدید را برای امنیت قفقاز جنوبی و حتی در مقیاسی وسیع‌تر برای کل منطقه دارد، جنگ ناگورنو-قره‌باغ با آتش‌بس 1994 به پایان رسید که طی آن 20 درصد ارامنی جمهوری آذربایجان تحت کنترل ارمنستان درآمدند. از زمان آتش‌بس در ماه می 1994 که طی آن ناگورنو-قره‌باغ به صورت دو فاکتو مستقل، اما در ارتباط با ارمنستان شناخته شده است، هنوز اختلاف بر سر وضعیت منطقه محصور ارامنی حل نشده باقی‌مانده است. (Altstadt, 1992: 65)

در حال حاضر رهبران هر دو طرف به دنبال راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای حل این مسئله هستند. ارمنستان و جمهوری آذربایجان به طور شدید به لحاظ انسانی و اقتصادی از این جنگ آسیب دیده‌اند، کوچاریان رئیس‌جمهور وقت ارمنستان و سرکیسیان وزیر دفاع وقت ارمنستان هر دو قره‌باغی‌الاصل و سابقه فعالیت در داشناک دارند و مواضع سخت‌گیرانه‌ای نسبت به موضوع قره‌باغ دارند و هر دو توافق رئیس‌جمهور اسبق ارمنستان، ترپتروسیان مبنی بر خروج شبه نظامیان ارامنی از 9 شهر اشغالی جمهوری آذربایجان و تعیین سرنوشت حقوقی قره‌باغ در سال 1997 را رد نمودند (که این امر باعث استعفای ترپتروسیان گردید). (Cornell, 2007: 6-7) البته برای حل و فصل مسالمت‌آمیز این بحران، طرح‌های گوناگونی پیشنهاد شده است که مهم‌ترین آنها عبارت هستند از: طرح گروه مینسک (که سه طرح به ترتیب در سال‌های 1993-1997-1998 ارائه نمود)، طرح

اجلاس استانبول سازمان امنیت و همکاری اروپا در سال 1999 (به نوعی ادامه طرح‌های گروه منیسک بود)، طرح گوبل در سال 2001، طرح دولت وابسته جان مارسکا و مدل آلاندا که از سوی مجمع پارلمان شورای اروپا در سال 2005 ارائه شد.

اما به صراحت می‌توان گفت که منازعه قره‌باغ دیگر منازعه‌ای بین ارمنی‌ها و آذری‌ها نیست. اگرچه طرفین جنگ در 1992-1994 عموماً از تسلیحات ساده استفاده می‌کردند و چندان سلاح‌های تخصصی و پیشرفته نداشتند، اما در کمتر از دو دهه هر دو کشور مجهز به تسلیحات بسیار مرگبار شدند که در صورت وقوع جنگ اثرات بسیار مخربی را بر جا خواهد گذاشت و از سوی دیگر، متحدین استراتژیک دو کشور (ترکیه، روسیه) نیز نخواهند توانست نسبت به این امر بی‌تفاوت باشند. وقوع جنگ، احتمالاً باعث بسته شدن مرزهای جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان، کمک نظامی پاکستان به جمهوری آذربایجان خواهد شد. (Ibid)

### مناقشه آبخازیا و اوستیای جنوبی

دو منطقه آبخازیا و اوستیای جنوبی در زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جدایی خود را از گرجستان اعلام کردند و تاکنون درگیری‌های مسلحانه بسیاری با گرجستان داشته‌اند. پس از این که غرب، استقلال کوزوو را به رسمیت شناخت، اوستیای جنوبی و آبخازیا نیز از غرب خواستند تا استقلال آنان نیز به رسمیت شناخته شود. پس از اینکه این دو منطقه به خواسته خود نرسیدند، روسیه اعلام کرد که روابط تجاری خود را با این دو منطقه به شدت گسترش داده است. در حالی که اخبار این منطقه حکایت از بزرگ شدن درگیری و رویارویی نظامی داشت، مشخص بود که دو طرف (گرجستان و روسیه) برای جنگ آماده می‌شوند. روسیه بسیار مایل است، تسلط خود را بر منطقه‌ای که روزی جزئی از خاک آن کشور بوده است، بدست آورد و از سوی دیگر گرجستان که برای پیوستن به پیمان سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تلاش می‌کند، بسیار مصمم است تا قدرت خود را در مقابل "خرس روسی" به نمایش بگذارد. پس از ماه‌ها بحث، مناقشه و تهدیدهای در 7 اگوست 2008 جنگ روسیه و گرجستان در اوستیای جنوبی آغاز شد در حالی که پیامدهای آن، منطقه قفقاز و همچنین مناسبات روسیه با آمریکا و غرب را به شدت تحت تاثیر خود قرار داد. این منطقه از آنجا که خطوط انتقال انرژی را از درون خود عبور می‌دهد، اهمیتی بسیار دارد و روسیه و غرب هر کدام تلاش می‌کنند تا نفوذ و سیطره خود را بر آن

گسترش دهند. پس از عملیاتی شدن خط لوله "باکو - تفلیس - جیحان" و با توجه به عبور 55 کیلومتری این خط لوله از اوستیای جنوبی تاثیر نفوذ روسیه بر این منطقه معلوم شد. با وجود این وقتی گرجستان موفق نشد به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که می‌توانست سوپاپ اطمینانی برای تفلیس در برابر روسیه باشد، بپیوندد، تصمیم گرجستان برای خارج کردن هزار نفر از نیروهای خود از عراق بسیار قابل توجه و البته روشن بود که برای اعمال فشار بر متحد آمریکایی خود این تصمیم را گرفته تا آمریکا از پیوستن تفلیس به ناتو حمایت کند. از سوی دیگر روسیه در انتظار "کوچک‌ترین اشتباه" گرجستان است تا آن را به فرصتی طلایی برای انتقام تبدیل کند زیرا گرجستان روزی از مناطق تابعه آن بوده است؛ روسیه در صدد انتقام از گرجستان به ویژه پس از آن که تفلیس تلاش کرد به ناتو بپیوندد و ناتو را به مرزهای روسیه برساند، بود.

اگرچه وقوع جنگ در این منطقه چندان غیرقابل پیش‌بینی نبود، اما تاثیرات این جریان بر امنیت منطقه فراتر از انتظار بود و وضعیت فعلی کاملاً متفاوت‌تر از سال‌های 1992-1992 است و نیروهای روسی به‌رغم عقب‌نشینی از گرجستان در آبخازیا و اوستیای جنوبی باقی مانده‌اند و این بخش‌ها تمایل زیادی به حاکمیت مستقل از گرجستان داشته‌اند. دخالت روسیه در جریان گرجستان دارای چهار هدف عمده است.

- 1- روسیه خواهان حمایت از روس تبارهای ساکن در این منطقه و حمایت از نیروهای حافظ صلح خود بود. اگر روسیه در حمایت خود از منابع و نیروهای حافظ صلح خویش ناموفق می‌شد، جایگاه این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ به خطر می‌افتاد.
- 2- روسیه صریحاً خط قرمزی را برای غرب ترسیم نمود که پنجاه سال پیش نیز این خط قرمز را در کوبا هم ترسیم نموده بود. روسیه، توسعه ناتو در منطقه حیاتی و حیاط خلوت خود در منطقه جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی را نخواهد پذیرفت که به طور سنتی و تاریخی نفوذ روسیه در آن برقرار بوده است.
- 3- هدف دیگر روسیه، کسب دوباره‌ی فضای منافع خود در بازی بزرگ انرژی در منطقه است و ارسال این پیغام برای غرب که در سرمایه‌گذاری خط لوله ناباکو، چندان هم بی‌ضرر نخواهند بود.

4- روسیه با تخریب تاسیسات نظامی گرجستان، باعث شد که این کشور برای حل بحران اوستیای جنوبی و آبخازیا در آینده به دنبال راه حل نظامی نباشد. (Rahr, 2008: 254)

### درگیری‌های سیاسی

هیچ کدام از تغییرات سیاسی در منطقه قفقاز جنوبی کاملاً بدون خونریزی و صلح‌آمیز و مطابق قانون اساسی نبوده است. ایلچی‌بیگ در انقلاب بدون خونریزی 1992 و ساکاشویلی در 2003 به ترتیب در جمهوری آذربایجان و گرجستان قدرت را به دست گرفتند و با کودتایی لئون ترپتروسیان جای خود را به روبرت کوچاریان در ارمنستان داد. در گرجستان دو کودتای نافرجام به ترتیب در سال‌های 1995 علیه شوارد نادره انجام شد و در اکتبر 1999 تعدادی مردم مسلح وارد مجلس ارمنستان شدند و از گن سرکیسیان نخست وزیر و کارن دمیرچیان رئیس مجلس را به همراه چهار نماینده به قتل رساندند، در انتخابات 2003 و پیروزی الهام علی‌اف در جمهوری آذربایجان نیز خشونت‌های محدود وجود داشت. ناآرامی در میان نظامیان نیز یکی دیگر از مشکلات کشورهای این منطقه است به خصوص در گرجستان که کنترل چندانی بر روی ارتش وجود ندارد. وقوع انقلاب مخملی در گرجستان و انقلاب نارنجی جمهوری آذربایجان که در 2005 به فرجام نرسید و نیز انقلاب ابریشمی در ارمنستان در سال 2003، همگی از جمله تهدیدهایی می‌باشد که اوضاع سیاسی و اجتماعی این کشورها را ناامن نموده است. (Cornell, 2007: 11)

### تهدیدهای فراملی

این تهدیدها را می‌توان شامل جنبش‌های ایدئولوژیکی و جنایت‌های سازمان یافته دانست. قاچاق مواد مخدر، اسلحه و انسان به تدریج بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی افزایش یافت. قرار داشتن قفقاز جنوبی در مسیر ترانزیت مواد مخدر از افغانستان به اروپای غربی، تهدید جدی برای ثبات و دولت‌های این منطقه محسوب می‌شود. به طوری که حجم قاچاق مواد مخدر در سال 2004 بیش از 3600 تن بود. گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال، اگرچه از نظر تعداد چندان زیاد نیستند، اما شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی این کشورها باعث افزایش نفوذ این گروه‌ها شده است. جمهوری آذربایجان نسبت به همسایه‌های

خود بیشترین آسیب را از آن دیده است و فعالیت گروه‌های مذهبی سلفی و حتی گروه‌های مسیحی در جمهوری آذربایجان بیش از دو کشور ارمنستان و گرجستان می‌باشد. وهابیون علاوه بر باکو اغلب در منطقه قوبوستان، روستاهای نریمان اف، مرزه، جمجم و خیل‌میلی فعالیت دارند و کلیساهای حیات سوزو، بش اون لوقلار، یهوا شاهی‌تری، آداونیست‌ها روز هفتم، برادری گیده اون، کلیسای ایختوس و مروجین حیات نوین در جمهوری آذربایجان فعال می‌باشند. (کاظمی، ص 57-58)

### بازیگران فرامنطقه‌های

#### الف) روسیه

روسیه که پیش از این دولتی قدرتمند بوده است به دنبال آن می‌باشد تا قدرت سابق خود را به دست آورد و جایگاه نفوذ و قدرت گذشته خود را احیاء کند، لذا در قفقاز جنوبی بسیار سخت‌تر از سایر کشورها عمل می‌کند. در همین راستا، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسکو برای حفظ منافع ملی خود در این منطقه مهم به نیروهای نظامی نیز متوسل می‌شود. روسیه حضور ناتو و آمریکا در قفقاز جنوبی و تشدید روند استقرار نیروهای آمریکایی در قفقاز را مهم‌ترین تهدید امنیتی خود می‌داند. (Tchantouridze, 2008: 3-4) در حقیقت قفقاز و ماورای قفقاز برای روسیه چنان اهمیت دارد که می‌توان آن را به "قلب استراتژیک" روسیه تشبیه کرد. حساسیت استراتژیک قفقاز برای روسیه را می‌توان در ارتباط با نقش مهم این منطقه در بقای فدراسیون روسیه و همچنین نقش ارتباطی قفقاز و جنبه‌های اقتصاد و انرژی آن برای روسیه جستجو کرد. (کاظمی، ص 114) یکی از مناطقی که روسیه تسلط خود را بر کشورهای قفقاز جنوبی اعمال می‌کند، دریای سیاه است.

از سه کشور قفقاز جنوبی تنها گرجستان به دریای سیاه دسترسی دارد و آن هم به دلیل فقدان تجهیزات دفاعی و نظامی، هیچ‌گونه تهدیدی علیه روسیه در آن منطقه محسوب نمی‌شود و از جانب دیگر راهرو انرژی در قفقاز جنوبی باعث شده که منابع انرژی این منطقه به سرعت به اروپا و غرب منتقل شود و مسکو مایل است که با تسلط بر دریای سیاه تعیین کننده‌هایی در این مسئله باشد. برگزاری مانور نظامی در اکتبر 2006 در سواحل گرجستان، تلاش‌هایی که در 2007 برای تسلط بر دریای سیاه انجام داده است و سرانجام جنگ گرجستان و روسیه در سال 2008، همگی در چارچوب سیاست حفظ تسلط روسیه

در این منطقه انجام گرفته است. (Tchantouridze, 2008: 4) آبخازیا می‌تواند به عنوان قسمت عمده محاسبات منطقه‌ای در دریای سیاه محسوب گردد و روسیه با حمایت از جدایی طلبان آبخازیا می‌تواند عامل خوبی برای کنترل کشورهای قفقاز محسوب شود و جدایی طلبان آبخازیا می‌توانند جریان ترانزیت انرژی که مطلوب روسیه نیست را مختل نمایند. (Ibid) روسیه با ارمنستان روابط نزدیکی دارد و ارمنستان روسیه را به عنوان حامی خود در مقابل ترکیه و جمهوری آذربایجان تلقی می‌نماید و از جانب دیگر واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه نیز باعث اتحاد روسیه و ارمنستان شده است.

به طور خلاصه می‌توان مهم‌ترین نگرانی‌های روسیه در منطقه قفقاز را چنین برشمرد"

- افزایش حضور نظامی آمریکا پس از 11 سپتامبر 2001،
- حمایت ناتو و کشورهای غربی از جدایی طلبان چچن،
- تقویت پیمان‌های ضد روسی نظیر گوام در منطقه،
- دور ماندن روسیه از طرح‌های بهره‌برداری و انتقال انرژی منطقه
- احتمال عادی سازی مناسبات ترکیه و ارمنستان و حل مسئله قره‌باغ.

#### ب) ترکیه

اگر روسیه منطقه قفقاز جنوبی را به عنوان دور نزدیک تلقی می‌نماید، رابطه ترکیه با قفقاز جنوبی نیز رابطه‌ای قومی، مذهبی، اقتصادی و انرژی است. ترکیه نخستین کشوری بود که با اعلام استقلال جمهوری‌های شوروی در سال 1991 آنان را به رسمیت شناخت.

از جانب دیگر ترکیه به عنوان مدلی از یک دموکراسی سکولار اسلامی است. (گلشن پژوه و دیگران، ص 288) این کشور دیدگاه تهاجمی به قفقاز ندارد. اگرچه ترکیه در 1993 بسیار محتمل بود که به قره‌باغ و گرجستان نیرو ارسال نماید و ارمنستان نیز همواره ترکیه را به عنوان تهدیدی اساسی برای خود تلقی می‌نمود. متحد کلیدی و جدایی‌ناپذیر ترکیه در قفقاز جنوبی جمهوری آذربایجان است و ترکیه در منطقه، نقش شریک قابل اعتماد غرب را در منطقه ایفای می‌کند و برای دستیابی به اهداف خود در سیستم‌های امنیتی منطقه حضوری فعال داشته است. (پیمان ترابوزان، 1381)

در بحث انتقال انرژی، ترکیه به عنوان دروازه ورود منابع انرژی به غرب ایفای نقش نموده (خط لوله باکو-تفلیس-جیحان و ناباکو) و با قدرت‌یابی گروه‌های اسلام‌گرایی و اتحاد جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در مسائل قفقاز خلل ایجاد نموده است. در واقع، عملکرد ترکیه در قفقاز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همواره در رقابت با ایران و روسیه در این منطقه بوده است. (Tchantouridze, 2008: 5)

در همین رابطه، گرجستان و جمهوری آذربایجان از ترکیه به عنوان بزرگترین شریک تجاری خود نام می‌برند. انرژی بخش بزرگی از این روابط را شکل می‌دهد و جمهوری آذربایجان نخستین منبع این انرژی است. گرجستان و ترکیه به عنوان مشتری و مسیرهای انتقال انرژی از گاز جمهوری آذربایجان سود می‌برند، اگرچه ترکیه فاقد مشترکات قومی، زبانی و مذهبی با مردم گرجستان است ولی منافع مشترک این دو کشور (و تمایل گرجستان به همکاری استراتژیک با دولت‌های عضو ناتو) برای ایجاد روابط گسترده، کافی خواهد بود. به هر حال، نقطه تاریک روابط ترکیه با قفقاز جنوبی، ارمنستان است. (گلشن پژوه و دیگران، ص 291)

به طور خلاصه اولویت سیاسی ترکیه در قفقاز جنوبی بیشتر اقتصادی و انرژی است و در صورت به مرحله اجرا درآمدن مسیرهای انتقال انرژی در قفقاز و آسیای مرکزی، وابستگی ترکیه به روسیه به طور چشم‌گیری کاهش خواهد یافت و اگر در منطقه قفقاز جنوبی درگیری روی دهد و حوزه‌های نفت و گاز، خطوط لوله یا زیر ساخت‌های مربوط مورد تهدید قرار گیرند؛ آن‌گاه ترکیه انگیزه بیشتری برای مداخله و حفاظت از منابع انرژی و کنترل وضعیت پیدا خواهد کرد. (Tracey C. German, 2008:14)

### ج) ناتو

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ناتو، تلاش نمود تا با کشورهای اروپای شرقی و متحدین سابق اتحاد جماهیر شوروی روابطی را ایجاد نماید. بدین ترتیب یکسری از همکاری‌های ابداعی را به وجود آورد تا ناتو چهره مسالمت‌آمیزتری داشته باشد و برنامه مشارکت برای صلح<sup>1</sup> وسیله‌ای برای ایجاد همکاری با تمام جهان پس از کمونیسیم و ایجاد رابطه‌ای متفاوت و البته در سطحی پایین‌تر از یک اتحاد بوده است.

<sup>1</sup> Participation for Peace (PFP)

اگرچه نه گرجستان و نه جمهوری آذربایجان عضو ناتو نیستند، اما هر دو کشور در برنامه مشارکت برای صلح نقش فعال و عمده‌ای دارند. اما ارمنستان کشوری است که متحد روسیه می‌باشد و یکی از دشمنان اصلی ارمنستان، جمهوری آذربایجان عضو برنامه مشارکت برای صلح است، لذا ارمنستان نمی‌تواند به عضویت آن درآید. در 1999 جمهوری آذربایجان و گرجستان از امضاء مجدد پیمان امنیتی مشترک تاشکند خودداری کردند و از ترتیبات امنیتی با محوریت روسیه خارج شدند. ارمنستان نیز این توافق دوباره را امضاء نمود، اما توافق جدیدی با روسیه در سال 2002 منعقد کرد، البته بعد از انقلاب مخملی گرجستان گرایش زیادی به همکاری با ناتو داشت و برای مقابله با روسیه و دخالت‌های این کشور خواهان چتر امنیتی ناتو بود.

به طور خلاصه کشورهای قفقاز جنوبی در رابطه با ناتو دیدگاه‌های متفاوتی دارند. گرجستان به دنبال راهبرد توازنی است (توازن در مقابل روسیه) و آذربایجان و ارمنستان هر کدام سیاست باند واگنیک متفاوتی را دنبال می‌کنند. (Alberto Priego, 2008: 53-58)

#### د) آمریکا

در زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سیاست آمریکا در قفقاز معطوف به کشور خاصی نبود. عمده‌ترین سیاست آمریکا در 1990 مدیریت صلح آمیز گذار از دوران شوروی بود. اهداف سیاست آمریکا در این برهه کمک به بازسازی بازارهای منطقه، تقویت دموکراسی بود. در اواسط دهه 90 با بحث نفت دریای خزر این منطقه اهمیت خاصی پیدا کرد و کانال انرژی شرق به غرب به منظور تامین نیازمندی‌های اروپا شد. مفهوم «منطقه وسیع دریای سیاه»<sup>1</sup> الحاق قفقاز جنوبی به بلغارستان، رومانی، مولداوی، اوکراین، روسیه و ترکیه بود که همکاری منطقه ای با آمریکا در مورد دموکراسی سازی و اهداف راهبردی این همکاری‌ها انجام می‌گرفت که در نهایت سه کشور قفقاز جنوبی به گفتگوی صلح ناتو در 1994 پیوستند.

بعد از حملات تروریستی 11 سپتامبر 2001 در جنگ علیه تروریسم به رهبری آمریکا، قفقاز جنوبی پایگاه مطمئن و راهبردی برای نیروهای آمریکایی برای اعزام به خاورمیانه و افغانستان محسوب می‌شد. این سه کشور از جمله اولین کشورهایی بودند که

<sup>1</sup>. Wider Black Sea Region



اجازه استفاده از حریم هوایی خود را به ایالات متحده جهت انجام عملیات بعد از 11 سپتامبر 2001 در افغانستان را صادر کردند. در اواخر دهه اول قرن بیست و یکم افزایش قدرت بازیگران تاریخی منطقه یعنی ایران، ترکیه و روسیه تاثیر زیادی بر قفقاز جنوبی گذاشت. (Nixey, 2010: 126)

بهبادهای حضور آمریکا در منطقه شامل ابتکار حمایت از آزادی، کمک غذایی، فعالیت یگان‌های صلح، کمک در چارچوب کمک‌های امنیتی است. عمده‌ترین برنامه کمک امنیتی ایالات متحده در منطقه به برنامه "خانه تکانی" مشهور است. که هدف آن به اشتراک گذاشتن برخی اطلاعات امنیتی برای بهره‌مندی کشورهای منطقه از آن است. در سپتامبر 2008 و یک ماه پس از درگیری‌های گرجستان، متیو بریز<sup>1</sup> معاون بخش اروپا و اوراسیای وزارت خارجه آمریکا سه هدف را برای ایالات متحده در قفقاز جنوبی نام برد:

1. حمایت از گرجستان،

2. کم اثر کردن هدف استراتژیک روسیه به خصوص در مورد تسلط بر مسیر انرژی

شرق به غرب،

3. تقویت نمودن دوستان و هم پیمانان آمریکا. (Nixey, 2010: 127)

البته دیدگاه آمریکا در منطقه قفقاز بر چندین محور قرار گرفته است:

1. واشنگتن نگران نفوذ اسلام سیاسی به جمهوری‌های قفقاز و رشد خیزش‌های

اسلامی در این مناطق است.

2. انزوای ایران و مهار سیاست‌های این کشور در منطقه قفقاز است.

3. جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه و به نوعی جلوگیری از احیای دوران اتحاد جماهیر

شوروی در این منطقه.

4. تلاش جهت ارائه الگویی برای کشورهای منطقه: از نظر آمریکا، ترکیه الگوی

مطلوب برای کشورهای تازه استقلال یافته منطقه در زمینه‌های مختلف می‌باشد.

5. اهداف نظامی- امنیتی ایالات متحده: یکی از اهداف آمریکا برای کاهش نفوذ روسیه

در منطقه وارد کردن کشورهای منطقه در حوزه مناسبات نظامی و امنیتی غربی است. (که

شامل سیاست گسترش ناتو به شرق، عضویت کشورهای منطقه در سازمان امنیت و همکاری

اروپا، مهار گسترش احتمالی سلاح‌های اتمی در منطقه می‌شود) (کنستانتین، ص 146)

<sup>1</sup> Matthew J. Bryza

اساس سیاست آمریکا در این منطقه را سیاست «همه چیز بدون ایران» تشکیل می‌دهد. به باور کارشناسان با توجه به کاهش ذخایر نفت شمال، ذخایر نفت خزر حوزه قفقاز به عنوان سومین ذخایر نفت و گاز جهان از اهمیت استراتژیک برخوردار است. قبل از 11 سپتامبر 2001، حضور آمریکا در قفقاز تا حدودی محتاطانه بوده است، اما پس از این حادثه آمریکا با اجرای انقلاب‌های رنگین و تاسیس پایگاه‌های نظامی در منطقه آشکارا به عنوان کشور ثالث در منطقه ایفای نقش می‌کند.

#### ه) جمهوری اسلامی ایران

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای ایران، مجموعه‌ای از تهدیدها را به همراه داشت، پایان جنگ سرد در سیستم جهانی، اهمیت استراتژیک ایران در نزد غرب کاهش یافت. در همین دوره با به پایان رسیدن نقش ایجاد موازنه روسیه در مقیاسی بالا موجب افزایش حضور آمریکا در منطقه گردید. ایران اساساً بحران قره‌باغ کوهستانی را با توجه به تفاوت‌های دینی و قومی آن به عنوان ظرفیت ایجاد بی‌ثباتی در منطقه قفقاز تهدیدی برای امنیت خود قلمداد می‌کند.

یکی از مشکلات ایران در قفقاز که از مشکل موجود در روابط ایران و آمریکا نشأت می‌گیرد، محدود نمودن نفوذ آمریکا در منطقه است. از سوی دیگر، ایران از نفوذ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نگران است و نفوذ ترکیه را نیز در چارچوب سیاست‌های آمریکا ارزیابی می‌کند. ایران به دلیل جایگاه خود در سیستم بین‌المللی و تهدیدهایی که از سوی منطقه احساس می‌کند، مجبور است سیاست‌های خود را با محوریت روسیه تنظیم و اجراء نماید. علاوه بر این، ایران به دلیل بی‌ثباتی موجود در منطقه با هر گونه تحریکات افراطی دینی و قومی مخالفت کرده و در خصوص حوزه دریای خزر نیز می‌بایست بیش از پیش فعال گردد. (جهانگیر کرمی، 1387، ص 13)

ایران طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی نتوانسته به خوبی از ظرفیت‌های خود و نیز فرصت‌های موجود در منطقه قفقاز استفاده کند. حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در قفقاز و دریای خزر به ویژه در جمهوری آذربایجان، تحریکات امنیتی ناتو در منطقه، روحیه رقابت میان روسیه و ترکیه در منطقه، طرح‌های نظامی‌گری آمریکا برای منطقه، فعالیت گروه‌های تروریستی و ضد ایرانی در منطقه با حمایت آمریکا و نهادهایی نظیر بنیاد سوروس،

حل نشدن مناقشات منطقه و مدیریت کشورهای غربی بر آنها و ادامه تلاش‌ها برای منزوی کردن ایران در منطقه از جمله چالش‌های امنیتی است که ایران در منطقه قفقاز بر آن مواجه است. (بهشتی‌پور، ص 111)

### نتیجه‌گیری

فقدان امنیت در منطقه قفقاز جنوبی ناشی از تهدیدات به هم پیوسته و غیرمنظم از عوامل فوق (بازیگران صاحب نقش، بازیگران امنیتی کننده و موضوعات امنیت) است. با افزایش اهمیت قفقاز جنوبی بعد از حادثه 11 سپتامبر و جنگ آمریکا علیه افغانستان و عراق، ناامنی در قفقاز دیگر تاثیرات منطقه‌ای نخواهد داشت، بلکه منافع و احتمالاً حل این تهدیدات امنیتی در منطقه کاملاً محسوس و آشکار است، ویژگی‌های چند وجهی ناامنی ذکر شده نه تنها مانع ثبات در منطقه قفقاز جنوبی می‌گردد، بلکه ناامنی به سایر مناطق همجوار نیز سرایت خواهد نمود.

بی‌ثباتی در قفقاز جنوبی مانع ثبات سیاسی، پاسخگویی و رشد دموکراسی خواهد شد، همانند شرایطی که در دهه 90 وجود داشت، ترغیب به ثبات و نظم باعث حاکمیت ساختارهای قانونی در درون این کشورها خواهد شد. بی‌ثباتی سیاسی پیامد مستقیم تنش‌ها است و باعث کاهش مشروعیت دولت‌ها در میان مردم می‌شود و رقبای سیاسی مسلح، قدرت دولتی را به چالش می‌کشاند. علاوه بر این فساد به بدنه حکومت نفوذ می‌کند و موجبات ضعف و ناتوانی دولت را فراهم می‌سازد.

در بخش اقتصادی، تنش‌ها و ناامنی‌ها باعث قطع ارتباط تجارت منطقه‌ای می‌گردد. علاوه بر آن باعث انهدام منابع و ایجاد اقتصاد وابسته می‌گردد. (وضعیتی که ارمنستان و تا حدودی گرجستان به آن دچار شده‌اند).

نابودی تولیدات اقتصادی باعث بروز مشکلاتی می‌شود. از سال‌های بعد از فروپاشی شوروی تجارت غیرقانونی قاچاق بسیار مطلوب‌تر و پرسودتر از تجارت قانونی برای مردم این مناطق بوده است.

در سطح اجتماعی نیز جمعیت مهاجر ناهمگون با جمعیت اصلی باعث ایجاد مشکلات ویژه‌ای از جنبه‌های روحی و مادی می‌گردد. (به خصوص در جمهوری آذربایجان و

گرجستان) و مناقشات حل نشده قومی باعث تشدید ملی‌گرایی در منطقه می‌گردد و مانع توسعه پایه‌های هویتی مدنی و سیاست‌های دموکراتیک می‌گردد.

همانطور که در مقدمه نظری بحث شد یکی از سطوح تحلیل میان بازیگران امنیتی روابط کشورها با هم است و تلفیق سطوح داخلی و بین‌المللی موضوعات امنیت باعث ایجاد منطق‌های امنیتی متفاوت خواهد شد که می‌توان در سه قالب همکاری کامل، تضاد کامل و همکاری و تضاد در نظر گرفت.

کشورهای حوزه قفقاز جنوبی مدت‌ها پس از استقلال (1991) در انتخاب راهکارهای تامین امنیت ملی خود دچار سردرگمی بودند. در حالی که گرجستان حضور و استقرار پایگاه‌های ناتو در منطقه را کمک به حفظ استقلال خود تلقی می‌کند و عضویت در این نهاد را عین امنیت خود تلقی می‌کند. (به خصوص بعد از حوادث اوستیای جنوبی در سال 2008) ارمنستان حضور پایگاه‌های روسیه را تضمین امنیت برای خود تلقی می‌کند و آذربایجان، ایران را به عنوان یک تهدید بالقوه برای منافع اقتصادی و سیاسی خود می‌داند و در چارچوب الگوی همکاری و تضاد با روسیه همکاری و کامل با آمریکا و ترکیه به تامین امنیت خود می‌اندیشد. (نمونه همکاری‌های کامل با آمریکا عبارت هستند از:

- عضویت در سازمان امنیت و همکاری اروپا در سال 1992،
  - پذیرش گروه مینسک در مناقشه قره‌باغ عضویت در برنامه مشارکت برای صلح در سال 1994،
  - تاسیس گوام در سال 1997،
  - خروج از پیمان امنیت دسته جمعی در سال 1999،
  - اتحاد با ترکیه و رژیم صهیونیستی، انعقاد پیمان امنیتی ترابوزان،
  - اعزام نیرو به عراق،
  - استقبال از نیروهای واکنش سریع آمریکا برای تامین امنیت خط لوله باکو-تفلیس-جیحان).
- با توجه به تضادهای منطقی هر کدام از موضوعات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی، بازیگران صاحب نقش نیز در قفقاز جنوبی با ائتلاف با هر کدام از موضوعات امنیتی، منطقه‌های امنیتی متفاوتی را ایجاد می‌کند.
- روسیه، ایران و ارمنستان دارای مشترکات و الزامات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مشترکی در منطقه می‌باشند که عبارت هستند از:

- مخالفت با استقرار پایگاه‌ها و نیروهای نظامی خارجی در منطقه به بهانه‌هایی نظیر مبارزه با تروریسم،
  - تقویت عوامل همگرایی منطقه‌ای و تضعیف عوامل واگرایی،
  - حمایت از انتقال آرام قدرت در کشورهای منطقه به جای برنامه‌ریزی‌های غربی نظیر انقلاب رنگین،
  - کمک به تقویت سازمان‌های منطقه‌ای نظیر جامعه مستقل مشترک المنافع،
  - تامین منافع روسیه و ایران در تولیدات نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز،
  - تلاش برای تضعیف پیمان‌های امنیتی چون ترابوزن و گوام.
- جمهوری آذربایجان، آمریکا، گرجستان و ترکیه هم که دارای منافع مشترکی هستند، منطق متفاوتی از گروه فوق دارند که در این راستا می‌توان مواردی همچون منزوی کردن ایران و روسیه در منطقه، جلوگیری از مشارکت ایران و روسیه در طرح‌های انرژی و تراسیکا، تلاش برای تقویت گوام و ترابوزن، تلاش برای تضعیف جامعه مستقل مشترک المنافع و در نهایت اضمحلال آن، استفاده از مناقشات منطقه‌ای نظیر چین و قره‌باغ و اوستیای جنوبی و تقویت گروه مینسک، ایجاد وابستگی امنیتی و نظامی کشورهای قفقاز به غرب، کنترل و مدیریت مناقشات قفقاز به جای حل آنها را نام برد.
- آنچه که در مورد اوستیای جنوبی به وقوع پیوست و احتمالاً در آینده نیز تکرار شود. توافقات قدرت‌های بزرگ با یکدیگر بر اساس منافع خودشان است که بیشترین آسیب را به کشورهای هم‌پیمان آنها خواهد زد. وضعیت امنیتی دو قطبی بسیار خطرناکی را برای کشورهای منطقه‌ای به وجود خواهد آورد که نه تنها کمکی به حل مناقشات موجود در منطقه حل نمی‌کند، بلکه باعث آنها نیز خواهد شد.

### منابع و مآخذ

1. آروانتیتوپولوس، کنستانتین (1377)، " ژئوپلیتیک نفت در آسیای مرکزی "، ترجمه غلامرضاهاشمی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم دوره سوم، شماره 21 بهار.
2. الیکر، اولگا (1382)، " گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی "، ترجمه گلشن‌پژوه، محمود رضا، کاردان، عباس و سعید کلاهی، حسن، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
3. امیر احمدیان، بهرام (1381)، " جغرافیای کامل قفقاز "، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
4. ای.لیک، دیوید و ام. مورگان، پاتریک (۱۳۸۱)، " نظم‌های منطقه‌ای: امنیت سازی در جهانی نوین "، ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
5. بوزان، باری (1378)، " مردم، دولت‌ها و هراس "، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
6. بوزان، باری، ویور، الی و دو ویلد، پاپ (1386)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
7. تویچ، واسو (1377)، " جایگاه ارمنستان در تلقی آمریکا از جغرافیای سیاسی منطقه قفقاز "، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم دوره سوم، شماره 21، بهار.
8. خانی، علی عبدالله (1383)، " نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی "، تهران، موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
9. روشندل، جلیل و قلی پور، رافیک (1373)، " سیاست و حکومت در ارمنستان "، دفتر نشر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه.
10. کاظمی، احمد (1384)، " امنیت در قفقاز جنوبی "، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
11. کرمی، جهانگیر (1378)، " بازی بزرگ جدید در قفقاز و پی آمدهای امنیتی آن برای آینده ایران "، سیاست دفاعی، ج 8، شماره 2-1.

12. Boonstra, Jos, Melvin, Neil (2011), " **Challenging the South Caucasus Security Deficit** ", In:<http://www.fride.org>.

13. C. German, Tracey (2008), " **Corridor of Power: The Caucasus and Energy Security** ", *Caucasian Review of International Affairs*, Vol. 2 (2), Spring.

14. Der Ghoukassian, Khatchik (2008), "**Instability in The new Imperial Periphery: A Conceptual Perspective of the Turbulent Frontiers** ", Caucasian Review of International Affairs Vol. 2 (3) – Summer.
15. E. Cornell, Svante (2007) , "**Azerbaijan and the Karabakh Conflict: International Mediation and Future Prospects** ", in: International Vision the Armenia -Azerbaijan Conflict over karabakh.
16. L. Altstadt, Audrey (1992), "**The Azerbaijani Turks: Power and Identity under Russian Rule**", Caucasian Review of International Affairs Vol. 2 (4) – Spring.
17. Nixey, James (2010), "**The South Caucasus: Drama on Three Stages** ", Chapter from, America and a Changed World: A Question of Leadership Thumbnail: May 2010, In: <http://www.chathamhouse.org>
18. Priego, Alberto (2008), "**NATO Cooperation towards South Caucasus** ", Vol. 2 (1) – Winter.
19. Rahr, Alexander (2008), "**The Caucasus needs a Rest after the War**",Caucasian Review of International Affairs Vol. 2 (4) – Autumn.
20. Tchantouridze, Lasha (2008), "**The Three Colors of War: Russian, Turkish, and Iranian Military Threat to the South Caucasus** ", Caucasian Review of International Affairs Vol. 2 (1) – Winter.
21. Youngs, Richard (2009), "**Energy Security** ", Europe's New Foreign Policy Challenge, Routledge.
22. "**The Military Balance** " (2008), The International Institute for Strategic Studies, Rutledge.
23. "**Europe Regional Surveys of the Word** "(2008), Eastern Europe, Russia and Central Asia, Rutledge.